

گفت‌وگوی «شرق» با کمال تبریزی

جشنواره جهانی فجر به تداوم نیاز دارد



فرانک آرتا

کمال تبریزی فیلم‌ساز را همه می‌شناسیم. اما بد نیست با کمال تبریزی انتخاب‌کننده فیلم هم آشنا شویم. درست روز بعد از پایان دومین دوره جشنواره جهانی فیلم فجر، رضا میرکریمی به تبریزی مأموریت داد تا فیلم‌های سینمای شرق دور را رصد کند. تبریزی هم به دلیل دعوت جشنواره‌های آسیایی، در فرصت مناسب سینمای کره را رصد کرد. هر چند به قول خودش هنوز متخصص سینمای کره نشده! اما آن‌قدر فیلم کره‌ای دیده که بتواند درباره سینمای امروز کره‌جنوبی میزگرد برگزار کند. نکته جالب در انتخاب فیلم‌های سومین دوره جشنواره جهانی فجر این بود که سایتي برای انتخاب‌کنندگان فیلم‌ها طراحی شد که با دریافت کد کاربری و گذرواژه به شکل آنلاین درباره فیلم‌ها در آن سایت می‌نوشتند و اظهارنظری می‌کردند و بعد فیلم‌ها رتبه‌بندی می‌شد- و از هر کجای دنیا با دبیر جشنواره در ارتباط بودند. نکته‌ای که اظهارنظر درباره فیلم‌ها را دقیق‌تر می‌کرد. علاوه بر این تبریزی، یکی از داوران بخش سینمای آسیای این دوره جشنواره هم بود. به بهانه حضورش در برگزاری جشنواره با او گفت‌وگو کردیم که می‌خوانید:

- با عنوان فیلم‌ساز در دوران برگزاری جشنواره مشغول چه کاری هستید؟ در هیئت داور ی بخش آسیایی هستم.
- به‌طورکلی نگاه داوران این بخش به سینمای ایران و به جشنواره چگونه بود؟ این جشنواره را محلی، منطقه‌ای یا جهانی می‌دیدند؟



عسل عباسیان

علیرضا شجاع‌نوری در این مصاحبه از برنامه‌های بلندمدت این جشنواره می‌گوید و معتقد است مسیر این جشنواره رو به سوی نور دارد. در ادامه گفت‌وگو با او را می‌خوانید.

جشنواره امسال را نسبت به سال گذشته چطور دیدید؟

سال گذشته تا روز پیش از جشنواره هنوز داشتیم جدول نمایش فیلم‌ها را می‌پستیم اما امسال خیلی زودتر برنامه‌ریزی‌ها انجام شد. پس طبیعتا تمهیدات بهتری اندیشیدیم. امسال میهمانان مربوط به فیلم‌هایمان خیلی بیشتر از سال گذشته بود. سال گذشته میهمان مربوط به فیلم‌ها خیلی کم داشتیم چون تا دقیقه ۹۰ داشتیم فیلم انتخاب می‌کردیم و وقتی تا دقیقه ۹۰ داری فیلم انتخاب می‌کنی که دیگر امکان دعوت میهمان نیست. این یکی از مزیت‌های مهم جشنواره امسال نسبت به جشنواره سال گذشته بود.

جشنواره امسال فیلم از کارگردان مطرحی مثل کیم یی دوک داشتید. چرا او را برای حضور در جشنواره دعوت نکردید؟

اتفاقا او را دعوت کردیم منتها مشغول ساخت فیلم بود و نتوانست بیاید.

چرا اغلب کارگردان‌های مطرح به جشنواره

جشنواره جهانی فجر به تداوم نیاز دارد

بین‌المللی‌اش بعد از سینمای ایران بود. بنابراین وجود ریشه عمیق فرهنگی، ترسیم موقعیت انسانی و مفهومی در فیلم‌های ایرانی باعث شده که همه دنیا به موفقیت سینمای ایران اذعان کنند و قبول دارند سینمای ایران از عمقی برخوردار است که کشورهای دیگر هنوز به این شکل نتوانسته‌اند به آن دست یابند. بنابراین احترام ویژه‌ای در مواجهه داوران خارجی با سینمای ایران کاملا حس و درک می‌شود و این امر مربوط به فعالیت همه سینمای ایران در طول سالیان به‌ویژه بعد از انقلاب اسلامی است. چون قبل از انقلاب هرچند سینماگران فهیم داشتیم ولی توجه دنیا به ایران محدود بود. ولی امروز هر فیلم ایرانی از ژانرهای مختلف در جشنواره‌ها شرکت می‌کند و اغلب موفق هم هستند. پس این چیزی نیست که از چشم داوران دور بماند.

- سینمای کره را چطور دیدید؟ به نظر می‌رسد صنعت سینمای کره پیشرفت کرده است. نظراتن چیست؟** سینمای کره پیشرفت عجیب‌وغریبی کرده.
- از نظر تکنولوژی؟**

بله. از لحاظ تکنولوژی نکته‌ای وجود دارد که در صحبت‌مان با خانم بنی‌اعتماد در کارگاه آموزشی ایشان مطرح کردیم که سینمای اغلب کشورهای آسیایی شرق دور چنین ویژگی‌ای دارند. سینمای کره اولاً توانسته سبد سینمایش را از ژانرهای مختلف در بهترین شکل ممکن پر کند. یعنی وقتی وارد سالن‌های سینمایش می‌شوید، می‌بینید هیچ‌کدام از فیلم‌هایش شبیه به هم نیست و تنوع ژانر دارند. از وحشت، اجتماعی، روشنفکری گرفته تا هنری، تجربی، بیگ‌پروداکشن و... شاهد هستید که تبدیل به صنعت شده و نیاز جامعه را درک می‌کند. به‌همین‌دلیل سعی می‌کند ژانرهای مختلف را تولید کند. از این بابت واقعا باید به کره‌ای‌ها تبریک گفت. چون در چند سال گذشته سینمای کره این‌طور نبود و فیلم‌ها به ژانرهای مشخص و معین محدود می‌شد. سال گذشته همراه آقای میرکریمی به «جشنواره بوسان» رفته بودیم. در آنجا با امکاناتی مواجه شدیم که از نظر نمایش و زیرساخت‌های سینمایی که ایجاد کرده بودند فوق‌العاده و قابل توجه بود. ما از طریق شرکتی کره‌ای سالن‌های سینما را دیدیم که کاملا استاندارد و به‌روز بودند.

- یعنی زیرساخت‌هایشان هم مثل سینمایمان کاملا پیشرفت کرده؟**

بله. بنابراین فکر می‌کنم سینمای کره در مدت‌زمان کوتاهی می‌تواند حداقل به‌لحاظ تجارت سینمایی خیلی رشد کند کمااینکه در زمینه‌های برپایی جشنواره و حضور فیلم‌هایش در جشنواره‌های سینمایی رشد کرده است.

- به نظر شما دلیل این رشد چیست؟**

به نظر من یکی از دلایل مهم جلوه سینمای کره مدیون جشنواره معروف بوسان است که به آن عنوان «کن آسیایی» اطلاق می‌کنند. چون در سواحل شهر بوسان برگزار می‌شود و انگار شهر ساحلی کن را در مقیاس کوچک‌تری در آنجا مشاهده می‌کنید. به نظر می‌رسد سینمای کره با این روش حتما در آینده موفقیت‌های چشمگیری خواهد داشت. اگر بخش «مرو سینمای کره» را در جشنواره شاهد بودید، با همین هدف اجرایی شد. چون هفت فیلم انتخاب شدند که هرکدام سلیقه خاصی را هدف قرار داد.

- بااین حال آسیب‌شناسی سینمای کره‌جنوبی را چگونه دیدید؟**

به‌طورکلی در سینمای شرق دور، یک نکته حیاتی وجود دارد که اگر به آن توجه نکنند به‌تدریج ویژگی و ماهیت اصلی خودشان را از دست می‌دهند. اینکه به صورت آگاهانه یا ناخودآگاه مدل فیلم‌سازی و ساختار فیلم‌هایشان تا حدودی شبیه سینمای هالیوود شده. درصورتی‌که باید از این قضیه دوری کنند تا بتوانند هویت سینمای خودشان را حفظ کنند.

- نکته‌ای که سینمای ایران سعی می‌کند آن را حفظ کند و با فیلم‌های امثال کیارستمی شناخته شد؟**

بله. اگر به این نکته مهم توجه نکنند آرام‌آرام هویت اصلی خودشان را از دست می‌دهند و زیرمجموعه سینمای بزرگ‌تری قرار می‌گیرند و دیگر دیده نمی‌شوند.

- آیا جشنواره فجر در درازمدت با مدیریت آقای میرکریمی این پتانسیل را دارد که حداقل تبدیل به قطب خاورمیانه شود؟**

قطعا این پتانسیل را دارد. اما به این شرط که سیاست‌های روز و موقعیت‌های متغیر سیاسی در جامعه به صورت سدی در مقابل جشنواره قرار نگیرد. یعنی اجازه دهند فرهنگ و هنر از طریق بچه‌های سینمای با شکلی که شروع شده ادامه داشته باشد! دو سال است که این تجربه شروع شده و باید اجازه دهند قدم‌های بعدی هم برداشته شود و آرام‌آرام کامل شود. اشکالات برطرف و نقاط قوتش تقویت شود تا به نقطه پایدار برسد. به نظر اگر کسی که به‌عنوان وزیر ارشاد در دوره جدید انتخاب می‌شود این سیستم را تغییر دهد تمام زحماتی که کشیده شده به باد می‌رود و دوباره به نقطه صفر می‌رسیم و درجا می‌نیزیم. امیدوارم کسی که به‌عنوان رئیس سازمان سینمایی یا حتی وزارت ارشاد حضور پیدا می‌کند از هر طیفی که باشد حداقل اجازه دهند این تجربه سخت و گران‌بها که برایش هزینه شده به‌راحتی از بین نرود.

- به نظر شما برای انتخاب رئیس جمهور مردم باید به چه کسی رای دهند؟** به نظر نامزد‌هایی که تایید صلاحیت شده‌اند مشخص است و مردم می‌دانند به چه کسی از میان این شش نفر باید رای دهند. به‌راحتی می‌توان تشخیص داد، در شرایط حساس کنونی، اتفاقاتی که برای کشور رخ داده را با دوره گذشته مقایسه کنند و در نهایت با انداختن چرتکه معمولی می‌فهمند باید به چه کسی رای دهند.

گفت‌وگو با علیرضا شجاع‌نوری

جشنواره، محل تلاقی استعداد و سرمایه

آینده وجود دارد با این مشکل تا ابد ادامه خواهد یافت؟

هیچ معلوم نیست که بعدا چه می‌شود. چون الان که من با شما مصاحبه می‌کنم شرایط یک جور است، اگر ۱۰ سال پیش مصاحبه می‌کردم شرایط یک جور بود و پیش از ۱۱ سی‌تایم هم جور دیگر! بنابراین نمی‌توان از حالا گفت آینده چه می‌شود چون سرعت تحولات و تغییرات در جهان خیلی زیاد است و ما هم بخشی از جهان هستیم پس نمی‌توانیم آنچنان درازمدت برنامه‌ریزی کنیم.

- با این اوصاف چشم‌اندازی که پیش‌رو دارید، چیست؟**

چشم‌انداز ما این است که رو به سوی نور داریم و در جاده حرکت می‌کنیم. ممکن است در مسیرمان جاهایی توقف کنیم یا جاهایی بیج‌هایی داشته باشیم اما مسیر نهایی‌مان جای روشنی است و نهایتا تعریف سینمای اندیشمند و انسانی و مهربان خودمان را جهانی می‌کنیم.

- و در این چشم‌انداز روزی را می‌بینید که جشنواره**

جشنواره جهانی فیلم فجر

میان واقعیت و آرمان

رضا غیاث

«تونی اردمن» فیلم متوسطی است؛ آن هم به چند دلیل صرفا سینمایی. ابتدا به این دلیل که لحن فیلم همه‌جا همسو با محتوایی که برگزیده عمل نمی‌کند و این تغییر و تغیر را نمی‌توان به حساب زیبایی‌شناسی روایت گذاشت. ریتم فوق‌العاده دقیق یک‌سوم ابتدایی فیلم (اگر بخواهیم کمی کلاسیک حرف بزنیم؛ سراسر پرده اول روایت) قابل مقایسه با ریتم سنجیده مابقی فیلم نیست و به بیان دیگر فیلم‌ساز، خود به قاعدۀای که در ابتدا چیده، پشت می‌کند. تا پیش از ورود مجدد وینفرد به صحنه در قالب شخصیت مبدل تونی، درون‌مایه تضاد رفتار وینفرد با جهان اطرافش باعث چفت و بست صحنه‌ها شده است؛ خیلی ساده وینفرد می‌خواهد از جزئیات جهان سرمایه‌باوری که زندگی دخترش را احاطه کرده سر دربیارد و در مقابل اینس همه هدفش این است که به‌صورتی هم‌زمان هم فضای کارش را داشته باشد و هم میزبانی معقولی از پدری که نقطه مقابل این فضاست؛ تلاش‌های اینس برای هم‌آواکردن این دو فضا، نتیجه نمی‌دهد و در نهایت مجبور می‌شود یکی را به‌نفع دیگری پس بزند؛ اخراج پدری دلک‌مآب از مدینه‌فاضله‌ای که دختر را از همه سو ارج می‌نهد؛ اگرچه که این همشینی موقت چندان هم بی‌ضرر نبوده است؛ پای ننگان و چشم گریان اینس، به هنگام بدرقه پدر از فاصله‌ای بعدی – روی تراس اتاقی در طبقه شاید دهم یک هتل – دستاورد این همشینی نامتجانس است یا شاید نتیجه تلاشی محدود برای هم‌آوکردن آن دو فضا؛ یک غایت منطقی برای پیرنگی واقع‌گرا. سقوط سیر صعودی فیلم دقیقا بعد از این صحنه شروع می‌شود؛ از همان جایی که اینس تلاش دارد تا با بیرون‌کشیدن خون دل‌مه‌سته زیر ناخن شست پایش، در جلسه پیش‌رو لنگان ظاهر نشود – یا تلاشی برای فراموشی نتیجه هم‌آواشدن با پدر؟ شاید، اما فعلا به معنای این صحنه نیازی نیست. بلکه اجرای سینمایی آن مدنظر است. خون دل‌مه‌سته با فشار دست اینس نه رو به جلو، که در یک حرکت دورانی به عقب برگشته و روی پیراهن کار اینس پاشیده می‌شود! عواقب بی‌توجهی غیرانسانی اینس به پدرش ؛ بله؛ معنای صحنه همین است و ایراد کار فیلم‌ساز نیز همین. اگر با فیلمی مبتنی بر واقعیت‌های جهان اطراف‌مان طرفیم پس این شعبده‌بازی‌های تکنیکال جهت جانداختن معنایی دل‌بخواه دیگر چیست؟ در واقع فیلم ادم هر کجا می‌دوازد ای معقول با واقعیت حرکت می‌کند قبال تحمل است اما هر کجا که این قاعده را دور می‌زند – همانند ورودهای ناپهنگام تونی به جمع‌های کاری و دوستانه اینس (آدرس این اماکن را از کجا پیدا می‌کنند؟) با استقبال غیرمعقول از زن رومانیایی از تونی و دخترش (در غیاب تعجب اهالی بر تعداد خانه، غیرقابل تحمل می‌شود. واقعیت این است که مارن اده تصمیم گرفته از جایی وینفرد را در قالب شخصیت تونی به فیلم باز گرداند اما در غیاب آن نکته‌سنجی و ظرافتی که اوایل کار از خود نشان داده است. ازاین‌رو دیگر نه با درامی واقع‌گرا که صرفا با صحنه‌هایی واجد معنا طرفیم. یعنی هرچقدر که در یک‌سوم ابتدایی کار با درام طرفیم و معنای ضمنی، در ادامه، معنای آشکار در غیاب هرگونه درام، تنها عناصر پیش‌رونده – و نه پیش‌برنده – فیلم به حساب می‌آیند. از طرفی واقعا چه نیازی هست که وینفرد را در قالب تونی به فیلم بازگردانند؟ برای نقد سرمایه‌داری متأخر؛ یعنی تضادهای رفتاری وینفرد با اینس و فضای کار او در همان یک‌سوم ابتدایی فیلم کافی نیست؟ برای نقد این فضا مکر محتمل باید بر آن فائق آمد؟ آن هم در متنی واقع‌گرا که موقعیت‌های کمیکش را از تضاد رفتاری عضوی ناهماهنگ می‌گیرد؟ شاید شکست تراژیک انسان در برابر این فضا، بهتر از هر نتیجه‌ای می‌توانست به ریشخندش بکشد.

ادامه در صفحه ۱۴

گفت‌وگو

گفت‌وگو با مهدی صباغ‌زاده درباره فیلم «خانه کاغذی»

تصویر روزنامه‌نگار ایرانی بر پرده سینما



بهناز شیربانی

- «خانه کاغذی» تا حدی فضا و حال‌وهوای «خانه خلوت» را یادآوری می‌کرد، آیا این شباهت تعمدی بود یا خبر؟ بله، دوست داشتم که بار دیگر فیلمی در آن حال‌وهوا بسازم. حقیقت این است که فیلم‌نامه‌ای داشتم که از زمان نگارش سه، چهار سال می‌گذشت و همان‌طور که اشاره کردید سعی داشتم به حال‌وهوای «خانه خلوت» نزدیک باشد و شباهت‌هایی به آن فیلم داشته باشد اما قطعا با نگاهی تازه‌تر و حرف‌هایی که بیاگر شرایط حال حاضر باشد. قطعا برای به‌روزرکردن فیلم‌نامه به دوستان فیلم‌نامه‌نویس نیاز بود و در نهایت آقایان نقیبی و مسعودی فیلم‌نامه را به شکلی که می‌بینید نوشتند و برای ساخت آماده شد.

- قطعا نگارش فیلم‌نامه گروهی شرایط و ویژگی‌های خاص خودش را دارد. چقدر زمان صرف نگارش فیلم‌نامه شد؟

ایده اصلی برای من بود و برای اضافه‌شدن جزئیاتی که می‌توانست کیفیت اثر را بهتر کند آقایان نقیبی و مسعودی به کار اضافه شدند، زحمت زیادی برای نگارش فیلم‌نامه کشیده شد و خوشحالم که نتیجه برای همه قابل تأمل و خوب بود.

- «خانه کاغذی» با درون‌مایه سیاسی-اجتماعی ساخته شده و طبعاً پرداختن به چنین موضوعی کار ساده‌ای نیست، تا چه حد فیلم در مرحله پیش از ساخت با ممیزی روبه‌رو و فیلم‌نامه دچار جرح و تعدیل شد؟

در مرحله گرفتن پروانه ساخت با مشکل خاصی مواجه نشدیم و حتی نظر دوستان این بود که فیلم ظرفیت پرداختن به مباحثی تندتر از چیزی که در فیلم می‌بینیم را دارد و می‌توان برخی موارد را صریح‌تر مطرح کرد. ساخت فیلم کاری گروهی است و طبعاً گروه نویسندگان فیلم‌نامه هم با دقت فیلم‌نامه را نوشتند. تمام تلاش ما این بود که موضوع مورد بحث و مطرح‌شده در فیلم با شرایط حال حاضر جامعه ما مطابقت داشته باشد و به‌نوعی برای مخاطب ملموس و باورپذیر باشد و بنابراین در فیلم می‌بینید که درحال‌حاضر مفاصد اقتصادی یکی از اتفاقات پررنگ جامعه ماست که هرچند وقت یک‌بار سروصدای زیادی به‌پا می‌کند و به نظر من وظیفه فیلم‌ساز این است که در مورد اتفاقات پیرامونش حساس باشد و آنها را درست رصد کند و به تصویر بکشد.

- البته انتقادهایی هم نسبت به فیلم شما شنیده می‌شود که برخی معتقدند فیلم تا حدی دچار شعارزدگی است، چقدر این نقد را می‌پذیرید؟

اتفاقا «خانه کاغذی» فیلمی است که شعار نمی‌دهد. در این فیلم نویسنده‌ای تصویر شده است که شرایط و ویژگی‌های خاص خودش را دارد. آیا وقتی نویسنده دست به قلم می‌برد و موضوع مهمی را مطرح می‌کند نامش شعار می‌شود؟ من با این نقد موافق نیستم و فکر می‌کنم فیلم ما به‌هیچ‌وجه دچار شعارزدگی نیست.



- البته شاید بیشتر به دلیل پرداختن به شخصیت روزنامه‌نگار کمی این نقد برپیکرتر می‌شود چراکه این شخصیت در بسیاری از فیلم‌ها به اشکال مختلف ترسیم شده است و بسیاری معتقدند شاید توان روزنامه‌نگار ایرانی را در بسیاری از فیلم‌ها دید.

به نظر من باز هم نمی‌توان از این جهت فیلم را شعارزده تلقی کرد. واقعیتی است که شما درگیرش هستید. همیشه هستند اشخاصی که دغدغه موضوعات و مشکلات اطرافشان را دارند و مدام به آنها فکر می‌کنند. روزنامه‌نگارانی که قلمشان را در راه درست و منطقی به کار می‌برند. قطعا خطراتی هم برای آنها به همراه داشته است. نمی‌توان همه را در دسته آدم‌هایی دانست که از راه درست و سالم زندگی می‌کنند و دراین‌میان دسته دیگری نیز هستند و شاید به‌نوعی «خانه کاغذی» این موضع را به نویسندگان جوان یادآوری می‌کند که تعهداتشان را حفظ کنند.

- از انتخاب پرویز پرستویی برای نقش اصلی این فیلم صحبت کنیم، این انتخاب چطور شکل گرفت؟

طبعاً سال‌ها قبل خسرو شکیبایی برای ایفای این نقش مدنظر بود و همیشه به او فکر می‌کردم. ولی خب قسمت نبود و قسمت شد که در این فیلم با آقای پرستویی همکاری کنم و خوشحالم در این فیلم همکاری خوبی داشتیم. خوشبختانه زمانی که فیلم‌نامه را خواندند رضایت داشتند و فیلم‌نامه مورد تأییدشان بود. در نهایت تلاش کردم در اجرا هم حس‌وحالی که باید لحاظ شود و نگاه فیلم به

- فیلم به بخش ملی جشنواره فیلم فجر راه پیدا نکرد، اما شما هم خیلی معترض نبودید.

بله به‌هرحال وقتی در جشنواره فیلم فجر شرکت می‌کنید باید قواعد و قوانین آن را در نظر گرفت. به نظر شکایت یا جو درست‌کردن برای فیلم در آن شرایط به صلاح نبود و خب جمعی تشخیص داده بودند که فیلم نباید در جشنواره شرکت داشته باشد. وقتی فیلم‌های جشنواره را دیدیم بسیاری معتقد بودند جای خانه کاغذی در جشنواره خالی است. هنوز هم نمی‌دانم چرا فیلم از جشنواره کنار گذاشته شد. شاید ملاحظاتی وجود داشت. اما خوشحالم که رضا میرکریمی این شجاعت را داشت و فیلم را برای حضور در جشنواره جهانی فجر انتخاب کرد.

- نظرات مردم درباره فیلم چیست؟

خوشبختانه نظر مردم درباره فیلم خوب بود و استقبال خوبی از فیلم شد.